روزنامه شرق

دوشنبه ۲۰ مهر ۱۴۰۵
۱ جمادی‌الاول ۱۴۴۸
۱۲ اکتبر ۲۰۲۶
سال بیست‌وسوم
شماره ۵۴۹۸
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

**وقتی ستایش تمدن به زبان دشمنی تبدیل می‌شود**

مراقبت از ایران نه جنگ تمدن‌ها

۷

در «شرق» امروز می‌خوانید: حمله مرگبار به فرودگاه ریاض • اسکرین‌شات؛ حافظه‌ای که فراموش نمی‌کند • جوایز چهارمین دوره «یوسف بکار» اهدا شد

گزارش «شرق» از تناقضِ نهفته در دستور کار بسته‌های مذاکراتی ایران و آمریکا

# روایت‌های ناسازگار

گزارش تیتر یک را در صفحه ۲ بخوانید

رئیس جمهور با تاکید بر خودباوری ملی:

## جلوی خودتحریمی و حذف گزینشی بایستیم

این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید. عکس: پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری

یادداشت

## مخاطرات اقلیمی و ضرورت تحول در مدیریت حوادث

محمدحسین عمادی

تغییرات اقلیمی با سرعتی فزاینده در حال تغییر و تخریب شرایط زندگی بشر است. افزایش دمای زمین، تغییر الگوهای بارش، تشدید خشک‌سالی‌ها، وقوع سیلاب‌های ویرانگر و افزایش فراوانی و شدت رخدادهای حدی آب‌وهوایی، دیگر پیش‌بینی‌هایی برای آینده‌ای دور نیستند؛ بلکه واقعیتی هستند که جوامع مختلف، از جمله ایران، هر سال با پیامدهای گسترده آن مواجه می‌شوند. هم‌زمانی این روند با تحولات اقیانوسی و جوی، از جمله پدیده ال‌نینو و پیامدهای احتمالی آن برای الگوهای بارش و دما در مناطق مختلف جهان، ضرورت بازنگری جدی در شیوه نگرش و عملکرد مسئولان، سیاست‌گذاران، نهادهای اجرایی و حتی شهروندان را دوچندان کرده است. این نوشتار با بهره‌گیری از تجربه نویسنده از تجربه زیسته و مدیریت در ایران و همچنین مشاوره در دیگر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی در چهار دهه گذشته به تحلیل و چاره‌جویی مشکل در شرایط کنونی می‌پردازد.

وقوع مکرر سوانح طبیعی که جان هم‌وطنانمان را می‌گیرد، خانه‌ها، مزارع و زیرساخت‌ها را ویران می‌کند، منابع آب و خاک را آسیب می‌زند و گاه بنیان نظام تولید کشاورزی و معیشت جوامع محلی را متزلزل می‌سازد، به رویدادی تکراری در اخبار کشور تبدیل شده است. بااین‌حال، واکنش رسمی به این حوادث نیز اغلب الگویی تکراری دارد: سازمان هواشناسی با شیوه‌های رسمی و سنتی اعلام می‌کند که هشدارهای لازم به مردم را صادر کرده است؛ دستگاه‌های مسئول از غیرمترقبه‌بودن حادثه و محدودیت امکانات سخن می‌گویند؛ رسانه‌ها تصاویر خسارت‌ها و روایت‌های تلخ قربانیان را منتشر می‌کنند و در نهایت، بی‌خبری و کم‌توجهی مردم به هشدارها یا کمبود اعتبارات، به‌عنوان دلایل اصلی فاجعه معرفی می‌شوند. چندی نمی‌گذرد که با فروکش‌کردن بحران توجه افکار عمومی، موضوع به حاشیه می‌رود تا حادثه بعدی بار دیگر همان چرخه را تکرار و جان و مال هم‌وطنان را قربانی کند. این چرخه معیوب نشان می‌دهد که مسئله را نمی‌توان صرفا در ضعف عملکرد یک سازمان، کمبود تجهیزات یا کم‌توجهی و بی‌احتیاطی شهروندان جست‌وجو کرد. آنچه نیازمند بازنگری جدی است، الگوی حکمرانی مخاطرات طبیعی و رابطه میان دانش، هشدار، تصمیم‌گیری و اقدام است. در سه دهه گذشته، تغییرات اقلیمی و افزایش مواجهه جوامع با مخاطرات جوی، ضرورت آمادگی در برابر این حوادث را بیش از پیش آشکار کرده است. آمارهای بین‌المللی نیز از افزایش تصاعدی و چشمگیر بلایای مرتبط با مخاطرات آب‌وهوایی در دهه‌های اخیر حکایت دارند؛ بنابراین حتی اگر زمان و مکان دقیق هر حادثه قابل پیش‌بینی نباشد، اصل وقوع بسیاری از این مخاطرات و تشدید آن از سوی سیاست‌گذاران و حاکمیت نظام دیگر نباید غیرمترقبه تلقی شود. در واقع، جهان وارد دوره‌ای شده است که در آن باید بسیاری از رخدادهای حدی را بخشی از شرایط جدید برنامه‌ریزی و مدیریت سرزمین دانست. در چنین وضعیتی، بازگشت به روال گذشته و اتکا به واکنش‌های مقطعی پس از وقوع حادثه، نه‌تنها ناکافی، بلکه پرهزینه و گاه گناهی جبران‌ناپذیر است.

**از پیش‌بینی هوا تا پیشگیری از فاجعه**

پیشرفت‌های علمی و فناورانه در دهه‌های اخیر، ظرفیت بشر برای شناخت و پیش‌بینی مخاطرات طبیعی را به‌طور چشمگیری افزایش داده است. توسعه سامانه‌های ماهواره‌ای، مدل‌های پیش‌بینی عددی، شبکه‌های پایش زمینی، فناوری‌های دیجیتال و هوش مصنوعی، امکان تحلیل دقیق‌تر شرایط جوی و برآورد پیامدهای احتمالی بسیاری از رخدادها را فراهم کرده است. در برخی موارد، می‌توان پیش از وقوع سیلاب، محدوده‌های در معرض خطر، مسیرهای احتمالی جریان آب، زیرساخت‌های آسیب‌پذیر و جمعیت‌های نیازمند تخلیه را شناسایی کرد. هرچه این اطلاعات زودتر و دقیق‌تر در اختیار تصمیم‌گیران قرار گیرد، فرصت بیشتری برای کاهش خسارت فراهم خواهد شد. بااین‌حال، پیش‌بینی علمی به‌تنهایی مانع وقوع فاجعه نمی‌شود. ارزش واقعی اطلاعات زمانی آشکار می‌شود که به تصمیم مشخص، اقدام به‌موقع و نتیجه قابل ارزیابی تبدیل شود. یک نظام کارآمد مدیریت مخاطرات اقلیمی باید دست‌کم چهار مرحله به‌هم‌پیوسته را طی کند:

۱. تولید و دسترسی به داده‌های دقیق، بهنگام و معتبر: اطلاعات جهانی، منطقه‌ای و ملی درباره شرایط جوی، بارش، وضعیت رودخانه‌ها، رطوبت خاک، پوشش گیاهی و آسیب‌پذیری زیرساخت‌ها باید به‌صورت مستمر گردآوری و تحلیل شوند.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

## دست‌درازی به میراث فرهنگی

احسان هوشمند

یکی از نشانه‌های تاریخی‌بودن جامعه ایران، میراث فرهنگی بسیار غنی این کشور است که شهرت جهانی دارد. وجود صدها محوطه و سایت و مرکز باستان‌شناسی و کشف ده‌ها هزار قطعه اشیای باستانی، در کنار مجموعه‌های ارزشمندی همچون تخت جمشید، نقش رستم، تخت سلیمان، هگمتانه، ارگ بم، بیستون، قلعه بابک و... در جای‌جای ایران عزیز، همگی نشانه‌هایی از تاریخی‌بودن این کشور و تمدن ایرانی است. در سده‌های اخیر، با حضور باستان‌شناسان فرنگی، بخشی از میراث غنی تاریخی و باستانی ایرانی سر از موزه‌های معروف جهانی یا مجموعه‌های شخصی در گوشه و کنار جهان درآورد و بخشی از این میراث نیز به موزه‌های داخلی سپرده شد. پس از آن، با همت باستان‌شناسان ارجمند ایرانی، بخش‌های بزرگی از میراث ایرانی شناسایی و مورد مطالعه قرار گرفت. این میراث فرهنگی و تمدنی آن‌چنان غنی است که برای کشف ابعاد پیچیده و نهان آن، همچنان باید بسیار کوشید و ده‌ها و صدها سال و شاید بیشتر وقت لازم است تا بسیاری از جوانب رازهای کشف‌نشده این حوزه مکشوف شده و نور بیشتری بر دانش باستان‌شناسی کشور افکنده شود. کمبود بودجه، نیروی انسانی و امکانات ضروری برای حفاظت از این میراث تمدنی، در جای‌جای ایران یکی از مصائب و دشواری‌های این حوزه است. هرچند کمبود نیروی انسانی، ناچیزی استفاده از فناوری‌های روز برای شناسایی یا حفاظت از میراث باستانی و مشکلات نظارتی و قانونی نیز بر این چالش‌ها افزوده‌اند. در کنار این چالش‌ها، روی‌آوردن گروهی ناآگاه و سودجو و گاه سازمان‌یافته از این وضعیت به حفاری و کاوش غیرقانونی و غیرکارشناسی و در نتیجه غارت بخشی از میراث باستانی ایرانیان، موجب شده تا حوزه میراث با مشکلات بیشتری دست‌وپنجه نرم کند. در این میان، گاه انتشار اخباری دال بر مشارکت احتمالی بخشی از افراد در دست‌درازی به میراث فرهنگی با سوءاستفاده از موقعیت خود، بر ابهام‌ها و نگرانی‌ها در این زمینه افزوده است. کارشناسان بارها درباره این وضعیت هشدار داده‌اند، اما صدای آنها شنیده نمی‌شود. یک مقام پیشین وزارت میراث فرهنگی گفته: وقتی یک محموله در فرودگاه امام کشف شد، مشخص شد این هفدهمین محموله‌ای بوده که یک گروه از کشور خارج کرده‌اند و کشف محموله هم ناشی از اختلاف افراد قاچاقچی با هم روی داد.

۱. در اینکه وزارت میراث با کمبود نیرو و فقر منابع مالی روبه‌روست، شکی نیست. موضوع میراث فرهنگی در دهه‌های گذشته، با وجود برخی اقدامات اثربخش، سازنده و مثبتی که انجام شده، با کمبود شدید منابع مالی و نیروی انسانی و توجه دیگر قوا مواجه است. چرا میراث فرهنگی در اولویت نظام حکمرانی کشور نبوده و برای تأمین منابع پایدار با هدف حفظ میراث تاریخی ایران‌زمین اقدام چشمگیری نشده است؟ دراین‌باره پرسش‌های دیگری نیز مطرح است و دولت، مجلس و دیگر مسئولان باید پاسخ‌گوی این کم‌توجهی باشند. در حالی که برخی نهادهای فرهنگی از بودجه‌هایی بهره‌مند هستند که برای کشور آورده‌ای درخور ندارد، آیا نباید برای اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی افکار عمومی در این زمینه روشنگری شود و با مستندات کافی و به‌صورت جزئی، گزارش کاملی به افکار عمومی داد؟ و حتی توضیح داد چرا نسبت به میراث فرهنگی در گذشته کم‌مهری‌هایی روی داده و فرصت برای غارتگران میراث فرهنگی مهیا شده تا این میراث گران‌قدر را از کشور غارت و به خارج از کشور منتقل کنند؟ میراث فرهنگی کشور امروزه با چه مخاطرات، آسیب‌ها و مشکلاتی دست‌به‌گریبان است؟ در این روزها بیش از هر زمان دیگری میراث فرهنگی برای ملت ایران واجد اهمیت، توجه و مراقبت تلقی می‌شود و سکوت درباره وضعیت موجود یا چالش‌ها یا تخلفات پیامدهای دیگری دارد که باید نسبت به آن اندیشناک بود.

۲. بخش دیگری از این نقادی متوجه دستگاه‌های ناظر است. دستگاه‌های انتظامی درباره خروج بار هفدهم محموله از فرودگاه رسمی کشور چه توضیحی دارند؟ چنین اخباری به فرسایش هرچه بیشتر سرمایه اجتماعی و گسترش نارضایتی در کشور مبدل می‌شود؛ حداقل از این منظر کارکردگرایانه نیز به موضوعات حساسی همچون غارت میراث فرهنگی پرداخته نمی‌شود؟ بی‌عملی و سکوت موجب فراموشی موضوع نمی‌شود؛ به انباشت نارضایتی منجر می‌شود. از این نظر هم ضروری است نهادهای مسئول به‌صورت شفاف مهر سکوت را بشکنند و به افکار عمومی درباره این موضوع و مباحث مشابه توضیح دهند اصل ماجرا چیست و این دستگاه‌ها چه برخوردی کرده‌اند و چه نتیجه‌ای از این برخورد به دست آمده است. چرا همچنان افرادی آشکارا و با هویت مشخص و معلوم در فضای مجازی و به‌طور علنی، به تبلیغ گنج‌یاب و نشان‌دادن فیلم حفاری‌های خود دست می‌زنند، بدون آنکه کسی دراین‌باره اقدام اثربخشی انجام دهد؟

برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از تورم که الگوی خرید مردم در بازار جشن‌ها و مناسبت‌ها را تغییر داده است

### شانه خم‌شده شادی

۸

توافق ترامپ و پوتین روابط واشینگتن و کی‌یف را وارد بحران جدیدی کرد

### گازوئیل، شکاف تازه ترامپ و زلنسکی

۴

گزارش «شرق» از مصوبات سؤال‌برانگیز برای خروج بیش از ۱۳۰۰ هکتار از یک پارک ملی در استان فارس

### «بمو» در خطر تکه‌تکه شدن

۵

از افشاگری ۷ درصدی تا رؤیای استقلال که باعث شد دروازه‌بان شماره یک تیم ملی وارد چالش شود

### بیرانوند علیه تراکتور

۶

نگاه

### وقتی فقر، زنان را به جاده‌های ناامن می‌فرستد

یادداشتی از صفورا صحافی

۵

یادداشت

## اخلاق گمشده امروز جامعه ما

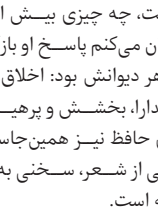

سعید خال

مدرس دانشگاه و حافظ‌پژوه

۲۰ مهرماه روز جهانی شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی، شاعر بلندآوازه ایران و جهان و فخر انسانیت است. سراسر دیوان حافظ پر است از ابیات ناب، گهربار و ارزشمند که نیاز امروز بشر است. دیوان حافظ تنها یک دیوان شعر معمولی نیست؛ دفتر اخلاق، انسانیت و معرفت است. اگر قرار باشد از میان سخنان حافظ، یکی از ابیات مهم و اساسی را برای جامعه امروز ایران انتخاب کنیم، شاید این بیت را برگزینیم؛ بیتی که در ظاهر کوتاه است، اما درون خود یک جهان‌بینی بزرگ انسانی و ایرانی را جای داده است: «کم مباش از درخت سایه‌فکن/ هر که سنگت زند، ثمر بخشش».

حافظ را اگر امروز در میان خود می‌داشتیم و از او می‌پرسیدیم در جهانی که پر از فناوری، سرعت، ارتباطات، قدرت و دستاوردهای مادی است، چه چیزی بیش از همه گم شده، گمان می‌کنم پاسخ او بازگشت به همان جوهر دیوانش بود: اخلاق، انسانیت، یکرنگی، مدارا، بخشش و پرهیز از ریا. راز ماندگاری حافظ نیز همین‌جاست. او با حجم اندکی از شعر، سخنی به وسعت انسان گفته است.

قرن‌ها از روزگار او گذشته، شاعران بسیاری آمده‌اند و رفته‌اند، اما حافظ همچنان در زندگی مردم حضور دارد؛ نه فقط در کتابخانه‌ها و دانشگاه‌ها، بلکه در خانه‌ها، آیین‌ها، نوروز، شب یلدا، لحظه‌های شادی و اندوه و در زبان روزمره مردم. چرا؟

چون حافظ بیش از آنکه سخنگوی یک عصر باشد، سخنگوی دل انسان است. اما این بیت چه می‌گوید؟

درختی را تصور کنیم که سنگ می‌خورد، اما میوه می‌دهد، سایه‌اش را از کسی دریغ نمی‌کند و در برابر سنگی که به سویش پرتاب شده، ثمر می‌بخشد.

ادامه در صفحه ۵

سرمقاله

## حافظ و علوم اجتماعی

حمزه نوذری

جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

ریا و تزویر از واژگان پرتکرار دیوان حافظ است. هر کسی که اندک آشنایی با دیوان حافظ داشته باشد، می‌داند که حافظ چقدر از ریا و تزویر متنفر است. اگر از حافظ بپرسند که یک چیز را می‌تواند تغییر دهد، بی‌تردید حافظ ریاکاری و تزویر را انتخاب می‌کند. در نظر حافظ ریا و سالوسی مرضی است که باید نخست درمان شود. ریا مسئله همه‌گیری است که به قول حافظ گر نیک بنگری همه تزویر می‌کنند. وقتی ریا وجه غالب زندگی اجتماعی می‌شود، پدیده اجتماعی یا بهتر بگویم واقعیتی اجتماعی است که باید به دقت بررسی شود.

اما علوم اجتماعی مسئله را به گونه‌ای دیگر توضیح می‌دهد. به‌عنوان مثال گافمن، جامعه‌شناس معروف قرن بیستم، زندگی اجتماعی را به تئاتر تشبیه می‌کند که دارای جلوی صحنه و پشت صحنه است. بازیگر در جلوی صحنه رفتار و گفتار متفاوت‌تری از پشت صحنه دارد. رفتار و عملی که در پشت صحنه انجام می‌شود، هیچ وقت در جلوی صحنه تکرار نمی‌شود. پایگاه و نقش از مهم‌ترین مفاهیم علوم اجتماعی است. در جامعه پایگاه‌ها و جایگاه‌های متفاوتی وجود دارد که متناسب هر پایگاه از افراد انتظار نقشی متفاوت وجود دارد. یعنی با توجه به ساختار موقعیت، افراد رفتار متفاوتی دارند به همین دلیل جامعه‌شناسی مانند بودون معتقد است کار علوم اجتماعی درک ساختارِ موقعیت است که بتوان بر اساس آن، رفتار افراد را درک کرد. آیا این تلقی در علوم اجتماعی به این معناست که همه افراد در زندگی نقش بازی می‌کنند و خود واقعی‌شان را بروز نمی‌دهند و به قولی در حال تزویر و ریا هستند؟ جامعه‌شناسی معتقد است در کنش متقابل است که فهم، درک و خود ساخته می‌شود و خودی فراتر از کنش متقابل، جامعه و تاریخ وجود ندارد. آما آیا حافظ متوجه این نبوده است که افراد بنا به شرایط و موقعیت‌های مختلف، رفتار متفاوتی دارند و امکان فاش‌گویی کامل وجود ندارد. در زندگی اجتماعی امکان ندارد که همه رفتارهای اجتماعی بر اساس غرایز و عواطف انجام شود. خودکنترلی در زندگی اجتماعی به قول نوربرت الیاس، جامعه‌شناس، اساس زندگی مدرن است. اما اینها به معنای توصیه به ریا نیست بلکه بحث این است که نمی‌توان در همه موقعیت‌ها و شرایط هر چه در دل داشت بیان کرد و هر رفتاری را مجاز دانست.

نکته اصلی این است که حافظ ریاکاری را برای افرادی که دارای موقعیت حکومتی و دینی هستند، نکوهش می‌کند. به عبارتی، کسانی که در منصب و مقام دولتی و ارشادی قرار دارند اگر تزویر و ریا کنند، اعتماد به حکومت و دین از بین می‌رود. کارگزاران دولتی که قدرت قانون‌گذاری و اعمال قدرت دارند اگر مروج تزویر و ریا شوند، اعتماد جامعه به نهاد دولت و دین از بین می‌رود. شخصیت‌هایی که حافظ ریاکاری و نفاق آنها را نقد می‌کند، محتسب، مفتی و واعظ و مانند اینهاست. محتسب کارگزار دولتی و مسئول برقراری نظم است. مفتی و واعظ هم از نهاد دین هستند و اگر ریا و تزویر داشته باشند و دیگران را هم به چنین کاری وادارند، جامعه نابهنجار می‌شود. کارگزاران دولتی هستند که با رفتار متظاهرانه، سرمایه اجتماعی را کاهش می‌دهند و اعتماد به سازوکارهای دولتی و مشارکت در امور کاهش می‌یابد. بنابراین حافظ در مقابل علوم اجتماعی نیست بلکه فهم اجتماعی دقیقی دارد که در میان هم‌عصرانش ویژه و خاص است. حافظ در مقابل کنشگران دولتی و دینی که ریا و تزویر در پیش گرفته‌اند و بر مردم سخت می‌گیرند، قد علم می‌کند. آنها کسانی هستند که با سخت‌گیری، زندگی روزمره افراد را دچار مشکل می‌کنند. اگر عملی که به نظر آنها نادرست است از افراد سر بزند، گناه و جرم بزرگی است و آنها را سخت مورد هجوم قرار می‌دهند اما برای خود چنین اعمالی را مجاز می‌دانند که این بدترین ریاکاری است. حافظ نگران زندگی اجتماعی و روزمره‌ای است که با ریاکاری و سخت‌گیری کارگزاران دولتی تباه می‌شود.

نوبت اول
سازمان خصوصی سازی
IRANIAN PRIVATIZATION ORGANIZATION
«خلاصه آگهی عرضه عمومی»
شناسه آگهی ۲۲۹۷۶۲۰
رجوع به صفحه ۴
م الف ۲۳۰۰